

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اصغر بیات^۱، محمد رضا اقارب پرست^۲، علیرضا گلشنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶. ۱۲. ۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷. ۰۸. ۲۹

چکیده

منطقه کردستان عراق به دلیل موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک به عنوان یکی از مهمترین مناطق خاورمیانه شناخته می شود. این منطقه پس از صدام (۲۰۰۳) و تشکیل حکومت خودمختار آبهستن حوادث و رخدادهایی بوده که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشته است. این پژوهش تحولات کردستان عراق را به دو دلیل مورد توجه قرار داده است. اول به دلیل حضور و فعالیت دولت های منطقه ای و فرمانطقه ای در کردستان عراق پس از صدام و دوم تقویت ناسیونالیسم کردی در مناطق کردنشین ایران. پیامد این رویداد گسترش خواسته های قومی کردهای ایران از دولت مرکزی است و احتمال واگرایی از حکومت مرکزی با هدایت بیگانگان. از این رو این پژوهش با روش آینده پژوهی در پی پاسخگویی به این پرسش است که تحولات اخیر کردستان عراق چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟ بر اساس فرضیه تحقیق تحولات کردستان عراق به ویژه حضور قدرت های منطقه ای در آن ناحیه و هم مرزی با ایران و نیز حضور نیروهای معارض کردی می تواند بسترهای مناسبی را برای اقدام علیه امنیت ملی ایران فراهم آورد. در نهایت ۴ سناریو برای بررسی آینده این موضوع در خاورمیانه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت ملی، کردستان عراق، قدرت های منطقه ای، قدرت های فرمانطقه ای، قومیت، ایران

۱. دانشجوی علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

۲. (نویسنده مسؤول)، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
(aghareb@yahoo.com)

۳. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران

مقدمه

کردستان عراق در منطقه ای در شمال عراق واقع شده که با سه کشور ایران، ترکیه و سوریه هم مرز است و این کشورها در مناطق مرزی خود با اقلیم کردستان دارای اقلیت کردنشین قابل توجهی هستند که به لحاظ قومی و نژادی، تأثیرپذیری زیادی از یکدیگر دارند. با توجه به همسایگی کردهای ایران و عراق و تأثیر پذیری آن‌ها از یکدیگر بی شک استقلال احتمالی اقلیم کردستان عراق، تأثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد گذاشت. کردستان عراق افزون بر پیشرفت های زیاد در زمینه های اقتصادی، سیاسی و علمی، با حمایت از سیاست ها و اقدامات آمریکا در عراق (از جمله حمایت از آمریکا در جنگ با عراق در سال ۲۰۰۳) و همچنین ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی، تأثیرگذاری بیشتری در کشورهای دارای مردم کردنشین گذاشته است. از طرف دیگر رژیم صهیونیستی با حضور در اقلیم کردستان ضمن استفاده از منابع نفت و گاز، از استقلال آن حمایت کرده تا ضمن ایجاد کشوری زیر سلطه خود، پایگاهی در کنار ایران داشته باشد که این موضوع می تواند در تحولات منطقه و امنیت ملی ایران تأثیر زیادی داشته باشد. از تقریباً پانزده سال پیش تاکنون عوامل اسرائیلی و آمریکایی فعالانه روی خط ناامن سازی اوضاع داخلی کشورهای همسایه عراق به ویژه ایران متمرکز شده و به تحریک قومیت ها در ایران می پردازند.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که این تحولات و بخصوص استقلال طلبی کردستان عراق چه تهدیدهایی را متوجه امنیت کشورمان کرده است؟ در پاسخ به این سؤال این فرضیه به آزمون گذاشته می شود که به دلیل قرابت فرهنگی، هویتی و نژادی کردها ایران و عراق، حمایت رقیبان منطقه ای ایران از گروهک های ضد انقلاب، تحولات کردستان عراق و استقلال طلبی آنها موجب تقویت همگرایی کردها با جریانات قومگرایی منطقه، افزایش واگرایی و بی تفاوتی نسبت به نظام ج.ا.ا خواهد شد که این

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۰۳

وضعیت تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ج.ا.ا را ترسیم می‌نماید. در این پژوهش از روش آینده پژوهی استفاده شده و در نتیجه گیری به چهار سناریوی پیش روی منطقه در خصوص وضعیت تشکیل دولت کردی اشاره می‌گردد.

(۱) مبانی نظری تحقیق

جهت بررسی موضوع دو مکتب کپنهاگ و نظریه هارتشورن به عنوان چارچوب نظری برای این پژوهش در نظر گرفته شده که به تعریف و بررسی این دو نظریه در خصوص موضوع تحقیق پرداخته می‌شود.

۱-۱) **مکتب کپنهاگ:** این مکتب به امنیت به مثابه مولفه ای چند بعدی - اقتصادی، نظامی، اجتماعی و.. می‌پردازد. پیدایش اقلیم کردستان هم تهدیدات نظامی، هم اقتصادی و هم اجتماعی را متوجه ایران کرده است. با فروپاشی نظام دوقطبی و ظهور تحولات جدید در ساختار نظام بین الملل به خصوص پدیده‌های غیرنظامی نظیر توسعه‌ی اقتصادی، تغییرات زیست محیطی، مهاجرت و رشد بی سابقه‌ی جمعیت، بیماریهای جدیدی نظیر ایدز، تروریسم و خشونت‌های قومی و نژادی، نقش آفرینی گروه‌های قومی، نقدهایی جدی بر نگاه سنتی به امنیت وارد شد.

باری بوزان و ویور^۱ دو متفکر اصلی این مکتب هستند. این دو، جامع ترین تحلیل علمی را در باب مفهوم امنیت ارائه دادند. از نظر بوزان دولت‌ها در دوران جدید تنها مرجع امنیت نیستند و از این رو اولین نقدهای جدی بر روی رهیافت‌های امنیتی موجود را از اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح کرد که بر اساس آن، بقای دولت و بازیگران دولتی، دیگر فقط بر اساس مولفه‌های نظامی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد، بلکه بایستی سایر حوزه‌های موضوعی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی، را نیز بدان اضافه کرد.

1. Barry Buzan And Viver.

مساله قومیت‌گرد و تهدید زایی آن در این قالب قابل بررسی است که هم بر امنیت ایران و هم کل منطقه تاثیر می‌گذارد. در واقع تهدید امنیتی عراق در قالب اقلیم کردستانی که در پی برگزاری همه‌پرسی بدنبال استقلال از دولت مرکزی عراق می‌باشد می‌تواند ایران، ترکیه و سوریه را نیز تهدید کند و این موضوع منحصر به دولت عراق نیست. از سوی دیگر ایران خود دارای یک اقلیت کرد است که حدود یازده درصد جمعیتش را تشکیل می‌دهد. این اقلیت می‌تواند تحت شرایطی به سان یک نیروی گریز از مرکز و در جهت واگرایی عمل کند. از این رو نظریه هارتشورن نیز مناسب این بُعد مساله است.

۱-۲) نظریه هارتشورن: یکی از نظریه‌های مرتبط و پایه در ژئوپلیتیک، نظریه علت وجودی و نیروهای مرکز گرا و مرکز گریز هارتشورن در ساختار کشور است که در سال ۱۹۵۰ ارائه شده است. وی زمینه‌ها و عوامل موثر در شکل‌گیری و تشدید نیروهای مرکز گریز و مرکز گرا در کشور را به این شرح تبیین کرده است:

الف-نیروهای مرکز گریز: از نظر ریچارد هارتشورن مهم‌ترین عوامل و زمینه‌هایی که باعث نیروهای مرکز گریز در کشور-منطقه می‌شوند عبارتند از:

عوامل طبیعی و موانع جغرافیایی یکی از عوامل ایجاد نیروهای مرکز گریز است که در گذشته اهمیت بیشتری داشته است. به طور کلی موانع طبیعی باعث کاهش ارتباط، ایجاد فاصله و تمایزات فضایی می‌شوند. فاصله به خودی خود به عنوان یک عامل مرکز گریز عمل می‌کند.

فضاهای خالی از سکنه باعث جدایی آن نواحی و ساکنان آن از نواحی مرکزی می‌شود. به گونه‌ای که یک مرز ذهنی بین دو منطقه ایجاد می‌شود. و هر دو منطقه به یکدیگر به چشم تهدید نگریسته. و در نتیجه سعی در حفظ این فاصله‌ها می‌شود (ویسی، ۱۳۹۴: ۵). شاید سخت‌ترین موانع، جدایی منطقه قومی از طریق سکنه بومی از سایر مناطق است. به

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۰۵

ویژه جایی که روابط دوستانه ای با قوم های پیرامونی ندارند. این مساله به صورت عکس نیز عمل می کند. منطقه قومی یک کشور با مناطق قومی کشورهای همجوار اشتراکات زیادی داشته باشند. که در نتیجه زمینه برای جدایی طلبی بین این قومیت در یک کشور و کشورهای همجوار فراهم می شود.

اگر بخش هایی از یک کشور ارتباط نزدیکی با بعضی نواحی کشورهای همسایه داشته باشد، ممکن است مشکلاتی جدی برای آن کشور پیش بیاید. این مورد در مناطقی روی می دهد که تغییرات مرزی روی داده و مرز جدید باعث شده است که بخشی از ناحیه متجانس یک کشور جدا شود و به کشور همسایه واگذار شود و یا اینکه یک قومیت از نظر سرزمینی در چند کشور در نزدیک هم پخش شده باشند (مجتهد زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

بسیاری از حکومت ها دارای تنوع زبانی، نژادی و قومی هستند که باعث اختلافات ناحیه ای می شود و این اختلافات با توجه به نوع و ماهیت رفتار حکومت ها تاثیر مختلفی بر سطح آموزش، استانداردهای زندگی و به ویژه فلسفه سیاسی آن ها دارد. اختلافات ناحیه ای در رفتارها و اندیشه های اجتماعی با محوریت قومیت بسیار مهم تر است. شورون معتقد است اگر این تفاوت ها با بی عدالتی سیاسی و اقتصادی همراه شود، نیروی گریز از مرکز به بالاترین سطح خود می رسد و حس تبعیض را از جنبه ذهنی به عینی تبدیل می کند (مجتهد زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

ب- نیروهای مرکز گرا

در بحث قبلی به نیروهای واگرا و مشکلاتی که ممکن است در یک حکومت ایجاد کند توجه شد. هارتشورن این سوال را مطرح می کند که آیا می توان بر این مشکلات غلبه کرد؟ آیا نیروهایی وجود دارند که بر مشکلات فوق فائق آمده و تمایلاتی را ایجاد کنند که نواحی را به سمت داخل سوق دهند؟ هارتشورن معتقد است که اساس نیروهای مرکز گرا باید برخی مفاهیم یا ایده هایی باشند که بیانگر وجود حکومت و مشارکت نواحی مختلف

آن حکومت برای تشکیل یک واحد کل باشد. حکومت باید دارای یک علت وجودی یا دلیلی برای وجود داشتن داشته باشد (Hartshorne, 1950:111).

با توجه به اشتراک قومیت کرد بین ایران و برخی کشورهای پیرامونی و طرح مساله اقلیم کردستان عراق و گرایش به استقلال، مساله قومیت از حالت عادی و سیاسی به مساله ای امنیتی به ویژه برای ایران تبدیل شده است. مساله قومیت کرد ضریب مساله امنیت بین ایران و سه کشور ترکیه، عراق و سوریه را بالا می برد. به گونه ای که هر سه خواهان حفظ تمامیت ارضی همدیگر هستند. گرایش به گریز از مرکزی این قومیت، وابستگی متقابل امنیتی این کشورها را بالا برده است. به گونه ای که طرح استقلال کردستان عراق بر امنیت سه کشور دیگر تاثیر می گذارد.

۲) تحولات اقلیم کردستان عراق و استقلال طلبی

تحولات این منطقه به ویژه پس از صدام و روند همه پرسی اخیر مجموعه ای از دغدغه های امنیتی برای کشورهای همسایه عراق که دارای جمعیت کردنشین هستند پدید آورده است و این ابهام را ایجاد کرده که استقلال کردها چه شرایط امنیتی در سطح داخلی و منطقه ای را برای این کشورها ایجاد می کند؟ «مسأله گرد» امروزه نقش پر رنگ تری نسبت به گذشته در سیاست خارجی کشورهای غرب آسیا و بازیگران فرامنطقه ای پیدا کرده است. کشورهای دارای جمعیت کردنشین، استقلال اقلیم کردستان عراق را عاملی برای تداوم خشونت ها در منطقه می دانند که می تواند بحران را به کشورهای آنها نیز تسری دهد. از سوی دیگر برخی بازیگران فرامنطقه ای نیز از این استقلال حمایت می کنند.

در سطح منطقه ای، رژیم صهیونیستی در چارچوب سیاست محورهای پیرامونی بن گوریون به دنبال ایجاد بحران در منطقه است. سیاست فرقه گرایی اسرائیل در این زمینه

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۰۷

تاریخ دیرینه ای دارد. حمایت از استقلال کردها یعنی ایجاد یک دولت حامی در میان مرزهای کشورهای حامی مقاومت است و در واقع شبیه سازی حزب الله لبنان در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران که در این مسیر اسرائیل دولت آمریکا را نیز متقاعد به حمایت از استقلال کردها کرده است. رژیم عربستان سعودی نیز دیگر حامی منطقه ای استقلال کردها بوده و در این مسیر حمایت هایی داشته است که منجر به تشدید اختلافات بین بغداد و اقلیم کردستان شده است. در سطح فرامنطقه ای آمریکا حامی مردد استقلال کردها است. دولت ایالات متحده در بین دشمنی با ایران و دوستی با ترکیه، بر عراق یکپارچه با سیستم فدرالی که در آنکردها در مناطق خود مستقل باشند تأکید کرده است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۵۲)

استقلال کردستان عراق پیامدهای امنیتی متفاوتی در سطح منطقه ای و داخلی خواهد داشت و آینده ای مبهم را برای منطقه غرب آسیا رقم خواهد زد. اگر تا به حال عنصر مذهب عامل خشونت ها و گسترش گروه های تروریستی مطرح بود، اکنون با دخالت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه‌ای قومیت نیز این ظرفیت را پیدا می کند.

با توجه به مباحث آینده پژوهی و تحلیل روندهای استقلال طلبی کردستان عراق، همه پرسى صورت گرفته در این منطقه و آسیب شناسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سناریوهای این پژوهش بر مبنای ۴ سناریوی ذیل قابل بحث و بررسی می باشد:

- سناریوهای ممکن؛

- سناریوهای باور کردنی؛

- سناریوهای محتمل؛

- سناریوهای مرجح و مطلوب.

اگر چه برخی از این سناریوها ممکن است برداشتهایی ذهنی باشند اما در محیط واقعی کدهایی وجود دارد که توجه به آنها امر بیهوده‌ای نخواهد بود. در ادامه به روش -

های سناریونویسی به ویژه گام‌های روش GNB و تطابق موضوع تحولات کردستان عراق با این روش اشاره می‌شود.

۳) روش‌های سناریو نویسی و سناریوهای قابل تصور در باره آینده تحولات امنیتی کردستان

۱- GNB: توسط پیتر شوارتز ارائه شده و تأکیدش بر عدم قطعیت و اهمیت است.
۲- مکتب فرانسوی: توسط گوده ارائه شده و تأکیدش بر تأثیر پذیرترین هاست. در این روش پیش ران تأثیرگذار بررسی می‌شوند و این خود در بررسی سایر پیشران‌ها تأثیرگذار است.

روش GNB هفت گام دارد:

گام اول: شناسایی موضوعات و تصمیمات اساسی (تخمین آ آینده تحولات کردستان عراق و اثرگذاری آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)؛

گام دوم: فهرست کردن عوامل و نیروهای کلیدی موجود در خصوص موضوع مربوطه (در خصوص تحولات کردستان عراق عوامل زیر مطرح است)؛

- حضور نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کردستان عراق
 - قربت‌های فرهنگی، قومی، نژادی و.. کردهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه
 - سیاست‌های امنیتی ترکیه طی سال‌های آینده
 - آینده وضعیت سوریه گرایش
 - کردهای منطقه به استقلال طلبی و ایجاد کردستان بزرگ
 - تقویت حاکمیت عراق و حل اختلافات با اقلیم در بازه زمانی پسا داعش
- گام سوم: فهرست کردن نیروهای پیشران شکل دهنده به نیروهای کلیدی گام دوم

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۰۹

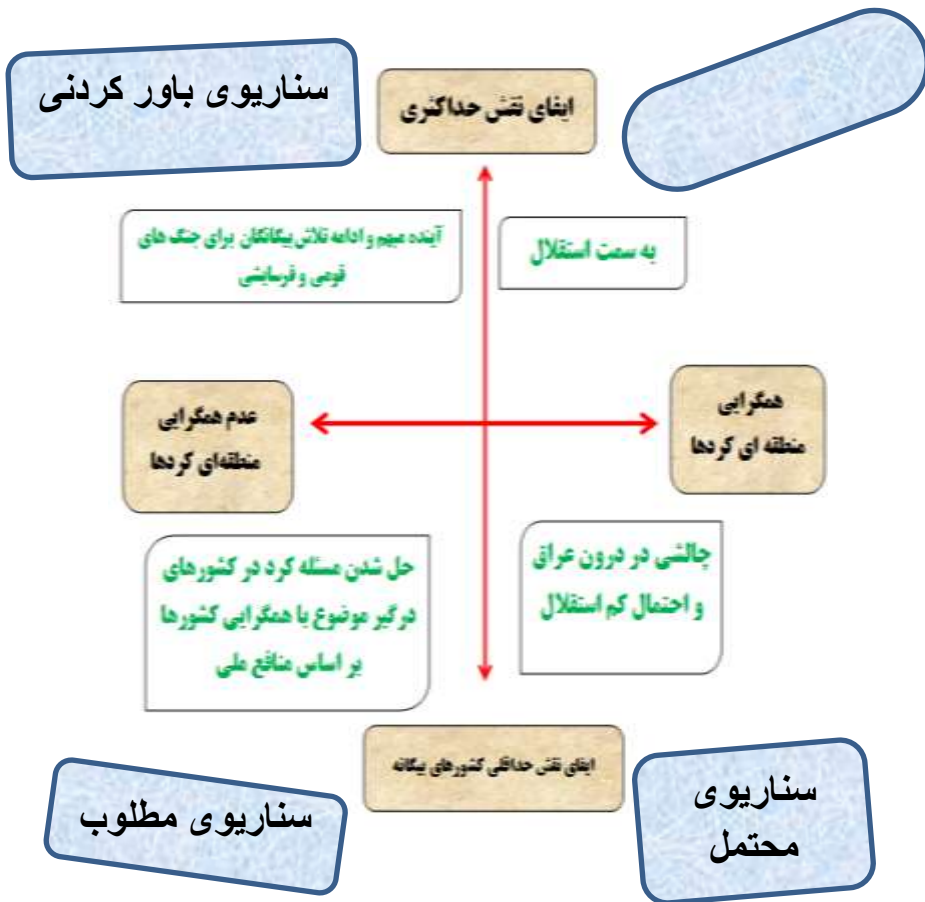
مجموعه‌ای از روندها و نیروهای کلان و پیشران وجود دارند که عوامل کلیدی فهرست شده در گام دوم را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. عواملی همچون نیروهای پیشران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، زیست محیطی و فناوریانه؛

سیاسی-فرهنگی Political-cultural	اقتصادی Economic	زیست محیطی Environment	تکنولوژیک Technologic	اجتماعی Social
میزان انتشار کتب و نشریات کردی	وضعیت معیشتی در کردستان عراق	بحران ریزگردها	رشد استفاده از تکنولوژی در کردستان عراق	حرکت نخبگان کردی به سمت استقلال و مشارکت در هرم قدرت مرکزی
حضور هدفمند قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای	ظرفیت مالی و ذخائر نفت در اقلیم بخصوص کرکوک	خشک شدن دریاچه ارومیه و موضع گیری کردها و اقوام دیگر	بهره گیری از قضای مجازی	همگرایی کردهای منطقه با دشمنان ایران
روند دموکراسی یا استبداد بارزانی ها	میزان تجارت خارجی	کنترل آب رودهای مرزی و سدسازی ها	تبلیغ نمادهای کردی در فضای مجازی	میزان واگرایی کردها در کشورهای خود
رسمیت یافتن زبان و ادبیات کردی	نقش بازارچه های مرزی		رشد IT	همگرایی با سایر اقوام در قالب سناریوی دشمنان
روابط خارجی با اسرائیل و غرب	قاجاق در مرزها و کوله بران		کانال های ماهواره ای کردی	گسترش اختیارات در قانون اساسی عراق

گام چهارم: (رسیدن به دو پیشران مهم از میان تمامی پیشران ها با عدم قطعیت و اهمیت بالاتر) هر چقدر غیر قابل پیش بینی باشد عدم قطعیت بالاتر دارد و مطلوب ترما برای انتخاب می شود؛

پیشران ها	عدم قطعیت	اهمیت
حضور و نقش کشورهای بیگانه و دشمن ایران در کردستان عراق	حضور دشمنان منطقه ای و فرا منطقه ای در شمال عراق و اجرای سناریوی ایجاد کردستان بزرگ در صورت مدیریت کشورهای منطقه قطعیت پائینی دارد و عدم قطعیت بالاتر است	حضور این کشورها که هر کدام بر اساس منافع ملی خودشان می باشد واگرایی کردها را مدیریت می کنند و تمامیت ارضی کشورهای درگیر با مسئله کرد را به چالش می کشند
همگرایی منطقه ای کردها	اگر به این قوم سخت گرفته شود با هم همگرا می شوند مثل قضیه آنفال، دستگیری اوجالان و... که واگرایی و جدایی آنها از همدیگر عدم قطعیت بالایی دارد و بسته به سیاست های منطقه ای تغییر می کند مثل رفراندوماخیر و همگرایی منطقه ای که باعث کاهش نقش عوامل واگراشد	اگر این قوم در ۴ کشور هم مرز با همدیگر متحد و همگرا شوند احتمال تشکیل کردستان بزرگ زیاد شده و امنیت ملی ما و این کشورها به چالش کشیده می شود

گام پنجم: صلیب سناریو و پاسخ دادن به اگرهای متعدد است.



گام ششم: منطق دهی به سناریوها و با استفاده از ادبیات داستانی پیشران ها را به هم ربط می دهیم. در این گام سناریوها دارای دو بخش می باشند:

If: اگر.....

then: سپس.....

گام هفتم: (تونل باز) در این گام رفتارها و اسناد مربوط به موضوع بررسی، اخبار جمع آوری و گفته می شود کدام سناریو بیشتر تقویت می شود و احتمال اتفاق وجود دارد. در واقع ما در این گام درصد تحقق سناریوها را ارائه می دهیم. در این گام سناریوها را به تونل باز برده و به آنها و میزان تحققشان وزن می دهیم (بر اساس مؤلفه های بررسی شده) (تمدن و دین مشترک) که در ادامه به آنها اشاره می شود سناریوی وحدت ملی بر اساس منافع ملی برای کشورهای درگیر موضوع اکراد (ایران، ترکیه، عراق و سوریه) در صورت مدیریت منطقه ای و تأکید بر حفظ تمامیت ارضی میزان تحقق بیشتری داشته و مطلوب ترین سناریو می باشد)

بر اساس روش مذکور و مشخص شدن دو پیش ران مهم و اثرگذار از میان همه پیشران ها و عوامل موجود چهار سناریو در خصوص آینده منطقه و وضعیت اقلیم کردستان عراق طراحی شده که به شرح ذیل است:

۱- تبدیل شدن مساله اقلیم کردستان به موضوعی برای جنگ های قومی بین کشوری و درون کشوری در منطقه (سناریوی باور کردنی)

در این سناریو روندهایی بررسی خواهد شد که دال بر شکل گیری این سناریو در آینده خواهند بود. از جمله این روندها شامل برنامه هایی است که از سوی استراتژیست های غربی قبال طرح ریزی شده است. روند قومی کردستان از نظر این سناریو مشابه جنگ فرسایشی با محوریت مذهب توسط داعش است که از یک کشور به کشورهای اطراف سرایت کرد.

به نظر می رسد در صورت مقاومت کشورهای دارای جمعیت کرد، عامل قومیت جایگزین مذهب شده و موج جدیدی از جنگ ها در غرب آسیا آغاز شود. بیداری اسلامی با محوریت مذهب به صورت دومینو آغاز شد و با انحراف از مسیر اصلی خود، منطقه غرب آسیا را درگیر جنگ هایی به صورت نیابتی کرد. حال مساله اقلیم کردستان با

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۱۳

محوریت قومیت چنین ظرفیتی دارد تا سوریه، عراق، ترکیه و ایران را وارد این کارزار کند. حمایت حامیان داعش و به خصوص رژیم صهیونیستی و عربستان از این جدایی گویای این ظرفیت برای خشونت طلبی است. در واقع بحران کردستان عراق ایدئولوژی لازم برای جنگ های جدید که ایدئولوژی قومی دارند را فراهم می کنند. مدل چنین جنگ هایی در خشونت های بوسنی و هرزگوین به خوبی مشاهده شد که در آن قومیت های گوناگون درگیر جنگ علیه یکدیگر و پاکسازی قومی شدند (Kaldor, 1999:23).

مساله کردها در واقع مساله قومیت را به اولویت چالش انگیز غرب آسیا تبدیل خواهد کرد، بهانه برای مداخله قدرت های فرامنطقه ای و منطقه ای را در این ناحیه فراهم می کند (seufert, 2015:6). قبلاً گفته شد که کشورهای اسرائیل، عربستان، امارات و ایالات متحده از این روند حمایت کرده و قول همکاری های لازم و حتی حضور نظامی پر رنگ تر در کردستان عراق را داده اند. از این رو به نظر می رسد، همانند مذهب که چندسالی است ابزاری برای خشونت در غرب آسیا شده، مساله استقلال کردستان عراق و حمایت کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای تنش های قومی را جایگزین تنش های مذهبی خواهد کرد.

از سوی دیگر این گسل قومی با گسل مذهبی (شیعی-سنی) حول مساله کردها قابل انطباق است. اغلب کردها در این کشورها گرایش به اهل تسنن دارند و این وضعیت برای کشورهایی مثل ایران آینده وخیم تری را ترسیم می کند. مساله اقلیم کردستان بدون کسب استقلال حتی می تواند محرکی برای سایر قومیت ها در منطقه برای گرایش به استقلال باشد. بلوچ ها و ترک ها در ایران وضعیت برجسته تری دارند. از این رو یک پیامد منطقه ای دیگر مساله کرد، ایجاد موج ملی گرایی است (sumer, 2012:7). نتیجه این وضعیت احتمالا تداوم خشونت ها در آینده این منطقه خواهد بود.

این سناریو از آن رو تقویت می‌شود که آمریکایی‌ها چنین طرحی را برای خاورمیانه دارند. اشخاصی مانند برژینسکی در کتاب «انتخاب: رهبری یا سلطه جهانی» در سال ۲۰۰۴ و رایس وزیر خارجه دوران بوش پسر در سال ۲۰۰۶ تاکید کرده اند که ایالات متحده باید بر مولفه های بحران زای غرب آسیا تکیه کند. در واقع هدف از این استراتژی بهره برداری از شکاف های قومی و مذهبی برای راه اندازی جنگ های نیابتی است. رالف پیترز از ژنرال های بازنشسته آمریکا در نشریه نیروهای مسلح در سال ۲۰۰۶ بر این رویکرد در مقاله ای با عنوان «مرزهای خونین: طرحی برای بازترسیم مرزها در خاورمیانه جدید» تاکید کرد که در آن مساله قومیت کرد برجسته شده است. پیترز به قومیت، به عنوان مؤلفه ای برای تولید بحران در خاورمیانه اشاره کرده است. وی در سال ۲۰۰۶ به ترسیم مرزها به شیوه ای جدید بر اساس شکاف های قومی-مذهبی در این منطقه پرداخته است و نقشه مورد نظر خود را در نشریه نیروهای نظامی آمریکا چاپ کرده است.

نقشه شماره ۱: مرزبندی های آینده خاورمیانه



Source: <http://brilliantmaps.com/new-middle-east/>

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۱۵

بر اساس این سناریو، حتی پس از پایان چالش داعش در غرب آسیا، مساله کرد و در راس آن تحولات اقلیم کردستان عراق زمینه را برای گسترش خشونت و تداوم آن در غرب آسیا فراهم خواهد کرد. این رویداد در حالی ظهور می کند که ما شاهد افول تحرکات داعش به ویژه در عراق هستیم.

این سناریو برای ایران یک امر نامرجح و نامطلوب است. چرا که برای ایران هزینه امنیتی- نظامی خواهد داشت که تجربه آن در بحران داعش جنبه نیابتی به خود گرفت. راهبرد جمهوری اسلامی در ارتباط با این سناریو تقویت انسجام درونی کشور و به ویژه وابستگی مناطق کرد نشین به کل کشور به ویژه از نظر امنیتی و اقتصادی است. در واقع بخشی از این راهبرد را باید در «سرمایه داری محافظه کاری می آورد» خلاصه کرد که به هر میزان وضعیت رفاهی و اقتصادی کردهای ایران بهبود یابد گرایش کمتری به تحولات اقلیم کردستان عراق نشان خواهند داد.

در واقع در این سناریو عنوان شد که با جایگزینی عامل تنش‌های قومی بجای تنش‌های مذهبی با قول حمایت رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات و آمریکا و حتی حضور نظامی در اقلیم و بهره گیری از مدل خشونت‌های بوسنی و هرزگوین در منطقه غرب آسیا با انطباق گسل قومی با گسل مذهبی (شیعی- سنی) به دنبال ایجاد چالش برای جمهوری اسلامی ایران می باشند. بر این اساس اگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اقلیم کردستان عراق حضور داشته باشند و هگرایی کردها با یکدیگر ضعیف و کم باشد با جایگزینی اشاره شده جنگ‌های فرسایشی ادامه خواهد داشت.

۲- باقی ماندن مساله اقلیم کردستان عراق به عنوان چالش در درون عراق (سناریوی

محتمل)

در واقع تاریخ سیاسی عراق ثابت کرده است هر زمان که دولت مرکزی رو به ضعف نهاده است، کردها بیشتر خواهان استقلال خود شده اند. در دوران فشارهای خارجی بر رژیم

صدام، پس از سرنگونی این دیکتاتور و پس از ظهور داعش و اشغال بخش‌هایی از عراق، کردها بیشتر گرایش به استقلال پیدا کرده‌اند و رهایی از این وضع را بهانه‌ای برای هدف خود دیده‌اند. بر اساس شاخص دموکراسی در جهان، در غرب آسیا عراق همچنان جز کشورهای رتبه پایین است.

آنچه شرایط را بدتر کرد و بهانه کردها برای جدایی از دولت مرکزی شد، اقدامات تروریستی در این کشور و ظهور داعش در این وضعیت بود. در واقع پیش‌مرگ‌های کرد در برابر حملات داعش به مناطق کردنشین عراق مقاومت کردند و بارزانی این‌طور بیان داشت که با وضعیت کنونی عراق و داعش، کردستان باید به شرایط فدرالی خود ادامه دهد. عنصر دیگری که این سناریو را مبنی بر اینکه مساله کردستان به عنوان یک چالش داخلی در سطح عراق باقی می‌ماند را تایید می‌کند، وضعیت صلح در این کشور است. بر مبنای اطلاعات آماری این شاخص، صلح در عراق در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. کشورهای منطقه خاورمیانه در بین ۱۶۳ کشور در این شاخص از نظر صلح وضعیت نامطلوبی دارند و عراق بدترین وضعیت را دارد.

اکنون که بحران داعش تقریباً در عراق پایان یافته است، فضا برای قدرتمندی دولت مرکزی فراهم شده است. برگزاری رفراندوم هم که نتیجه‌ای جز شکست سیاسی نداشت و کردها از خواسته خود عدول کردند. بنابراین محتمل‌ترین سناریو رخ داده است و حال عراق باید در چارچوب تمامیت ارضی خود این بحران را حل کند.

اقتدارگرایی مولفه اصلی حکومت داری در عراق بوده است. در این کشور نهادهای سیاسی حاصل اجماع ملت در یک فرآیند طولانی شکل نگرفته است، بلکه حاصل سیاست‌های استعماری یا اعمال دیکتاتوری علیه ملت است. بنابراین دولت در این کشور با بحران هویت ملی مواجه است و جامعه عراق بر مبنای ناسیونالیسم تباری یعنی برتری یک قوم یا قبیله در ساختار سیاسی روبه‌رو است و ناسیونالیسم مدنی جایگاهی ندارد. در واقع بحران

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۱۷

هویت ملی از آنجا در این کشور وجود دارد که در یک دستگاه هویت های مختلفی به گونه ای مصنوعی رشد می کنند که زمینه شکل گیری درگیری های حزبی، قومی، مذهبی و منطقه ای می شود (Reily, 2008:7).

آنچه این سناریو را تایید می کند و قوت می بخشد، مخالفت های ترکیه و ایران برای استقلال کردستان عراق است. این کشورها در حالی که روابط خوبی با اقلیم کردستان عراق داشته اند، همواره با طرح استقلال کردستان و حتی برگزاری رفراندوم مخالفت کرده اند و خواهان حل این مساله در چارچوب حاکمیت سرزمینی عراق بوده اند. بر اساس این سناریو با پایان یافتن ناامنی های کنونی عراق و افزایش قدرت دولت و ثبات سیاسی، عطش استقلال خواهی در منطقه اقلیم کردستان فرو می نشیند و مساله کردها صرفا به چالشی در درون عراق باقی خواهد ماند. کشورهای دیگر دارای قومیت کرد نیز حامی و خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق هستند، استقلال اقلیم کردستان عراق مطلوب نبوده و آن ها اجازه رشد این روند را نخواهند داد. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این صورت ایجاد و تعمیق لابی گری در عراق و در اقلیم کردستان این کشور است تا از این طریق گروه های رقیب در استقلال خواهی مواضع متفاوتی داشته و این رقابت قدرت در درون، گرایش به استقلال خواهی را در این منطقه تضعیف کند. اقدام متقابلی که از سوی آمریکا، اروپا و اسرائیل شاهد هستیم. افزایش سطح مبادلات بین اقلیم کردستان عراق و ایران نیز می تواند گرایش به استقلال را تعدیل کند.

این سناریو بدنال آن است که این موضوع را بررسی نماید که اگر همگرایی بین کردها در منطقه وجود داشته باشد ولیکن نقش و تأثیرگذاری قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای ضعیف باشد مساله کردها و استقلال آنان چالشی در خود عراق باقی خواهد ماند. از جمله پیشرانهایی که بر این سناریو تأثیرگذارند مساوی بودن ضعف حکومت مرکزی با استقلال طلبی کردهاست. در واقع تاریخ ثابت کرده است که هرگاه حکومت

مرکزی در عراق ضعیف شده است ادعای استقلال طلبی کردها بیشتر شده است. همچنین در استقلال طلبی سالهای اخیر کردها بارها و بارها عدم حمایت بین‌المللی و منطقه‌ای کافی و جدی دیده شده است. همچنین اقتدارگرایی حکومت عراق، مخالفت‌های ترکیه و ایران با جدایی طلبی کردها از جمله پیشران‌هایی هستند که بر تقویت این سناریو می‌افزایند.

۳- استقلال اقلیم کردستان عراق به عنوان نامطلوب‌ترین سناریو (سناریوی ممکن)

شواهد و قرائن موجود حاکی از آن است که در آینده متغیرهایی از قبیل حمایت کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای بخصوص اسرائیل از استقلال کردستان در کنار مرزهای غربی ایران و کردهایی که قرابت‌های فرهنگی، مذهبی و هویتی با آن سوی مرزها دارند بر روند واگرایی کردهای ایرانی و مرکزیت‌گریزی آنها تأثیرات خود را داشته باشد چرا که این کشورها سالهاست با تمام امکانات خود در این منطقه در فکر به چالش کشیدن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. بدترین و نامطلوب‌ترین سناریوی ممکن برای کشورهای دارای جمعیت کرد، استقلال کردستان عراق است زیرا هم کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای از این سناریو حمایت می‌کنند و هم وضعیت نابسامان عراق به گونه ای است که احتمال این استقلال را بیشتر می‌کند. ماثو پاکارد^۱ معتقد است تصمیم اوباما به خروج نیروهای آمریکا از عراق سناریوی استقلال کردستان را قوت بخشید. از نظر وی این عقب نشینی عراق را وارد دوره ای از جنگ‌های فرقه‌گرایانه می‌کرد که تنش کردستان با دولت مرکزی یک بعد آن خواهد بود (Packard, 2011:3).

نتیجه این وضعیت، خودمختاری بیشتر کردستان و در نهایت جدایی از عراق خواهد

بود.

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / 119

در تایید این سناریو شش دلیل وجود دارد که کردستان کاندیدای جدایی از عراق و تشکیل دولت مستقل است:

- نخست اینکه این منطقه دارای حکومت خودمختاری است که نه در داخل عراق بلکه در سطح منطقه نیز نقش آفرینی می کند.
- دوم اینکه این منطقه دارای مرزهای مشخص متشکل از سه استان کنار هم است.
- سوم، کردستان عراق دارای جمعیت پایدار بیش از سه میلیون نفر است. برخی از مقامات کردستان عراق معتقدند وقتی اسرائیل با جمعیت محدود توان تشکیل دارد، کردستان با بیش از سی میلیون نفر به طریق اولی این ظرفیت را دارد.
- چهارم، کردستان عراق توان ورود به عرصه روابط خارجی با کشورهای منطقه و فرامنطقه ای را دارد.
- پنجم وضعیت ضعیف دولت و حاکمیت در عراق است.
- ششم نقض تاریخی حقوق بشر نسبت به کردها توسط رژیم های عرب حاکم بر عراق است (Ajir, 2016: 5-9).

باید اضافه کرد که کردها بر مبنای تجربه گذشته ترس از آینده را دارند. سخنان بارزانی دیدگاه لیم و همکارش را تایید می کند. بارزانی ابراز داشته که همکاری و همزیستی مسالمت آمیز که هدف اصلی کردستان و عراق بود در طول چند مرحله تاریخی گذشته، محقق نشد؛ از این رو ملت کردستان به راه خود ادامه خواهند داد و سرنوشتشان را تعیین خواهند کرد.

بر اساس این سناریو، کردستان خواهان «حاکمیت مشترک»¹ با عراق نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد «حاکمیت به دست آورده شده»² است. برگزاری فراندوم اخیر در

1 - shared sovereignty

2 - Earned sovereignty

کردستان عراق در راستای انتقال از حاکمیت مشترک به حاکمیت به دست آمده است. در تایید وقوع این سناریو ظرفیت های دیگری نیز وجود دارد. نخبگان سیاسی حاکم بر اقلیم کردستان، هم انگیزه استقلال را داشته و هم علایق ناسیونالیستی شدیدی برای این تحول دارند. علایق راهبردی برخی رقبای منطقه ای ایران نیز محرک این حرکت است (Salih, 2006:9).

در حوزه نظامی، این اقلیم نیروی نظامی و اطلاعاتی حدود ۱۱۰ هزار نفره دارد که توان تامین امنیت آن را دارند و تاکنون عملکرد موفقی در برابر دفع تهدیدات نظامی داشته اند که آخرین نمونه آن مقابله با داعش بود. در حوزه اقتصادی این منطقه دارای منابع غنی نفت، گاز و انواع فلزات گران قیمت است. بیشترین محصول گاز طبیعی عراق در قلمرو این اقلیم قرار دارد. همچنین در سال های پس از صدام این اقلیم از قدرت رسانه ای قابل توجهی برخوردار شده است. در این اقلیم حدود ۹۰۰ رسانه وجود دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰:۱۳).

آمریکا نیز اگرچه در ظاهر امر مخالف همه پرسی عراق بود اما طرح هایی برای آینده عراق دارد. به جز طرح پیترز، طرح جو بایدن نیز بر استقلال کردستان عراق تاکید می کند. بایدن معاون رییس جمهور در زمان باراک اوباما به بارزانی گفته بود که دولت کردی را در دوره حیات خود خواهیم دید. طرح بایدن برای تقسیم عراق به روشنی بر تقسیم عراق به سه کشور کردی، سنی و شیعی استوار است. بنابراین مخالفت های کنونی واشنگتن بیشتر تاکتیکی و برای آماده کردن زمینه های موفقیت یک دولت کرد از نظر تصمیم سازان کاخ سفید است (Fisher, 2015:3).

تنها اختلافی که میان کردهای حامی همه پرسی از یکسو و دولتمردان آمریکا از سوی دیگر وجود دارد، آن است که حامیان همه پرسی در موعد اعلام شده، قصد دارند ابتدا اعلام استقلال کنند بعد دنبال فراهم کردن زمینه های موفقیت یک چنین دولتی بروند

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۲۱

(از جمله شرایط جغرافیایی، راه دریایی و نیز برسمیت شناخته شدن در سطح بین الملل) اما آمریکایی ها بر این باورند که همین راه را باید به شکل معکوس طی کرد. یعنی ابتدا شرایط و فضای لازم را فراهم کرد و بعد به دنبال اعلام استقلال رفت (Munoz, 2017:6).

در پی شکست پروژه داعش و تشکیل دولت به اصطلاح اسلامی که نتیجه کوچک آن تجزیه عراق و نیز سوریه می بود، اکنون حامیان منطقه ای و فرامنطقه ایستقلال کردستان عراق می خواهند این هدف را از راههای سیاسی پی بگیرند و همه پرسشی یکی از بهترین راه ها در این زمینه بود (Karami, 2017:3). بنابراین احتمال استقلال کردستان عراق با حمایت کشورهای حامی تروریسم در منطقه و مخالفت ایران، عراق، سوریه به عنوان محور مقاومت و ترکیه به عنوان قدرت منطقه ای در این برهه از زمان می تواند هر آن ابزاری برای ایجاد و افزایش تنش در منطقه محسوب گردد.

یکی از اهداف این سناریو حضور دائمی غرب در کنار ایران و کشورهای محور مقاومت خواهد بود. سناریوی استقلال کردستان عراق را که باید در واقع سناریوی کردستان بزرگ نامید، کلید زدن یک حرکت قومی است که می تواند بصورت دومینو وار قومیت های دیگر را به حرکت وادارد و می تواند روی ترک ها و بلوچ ها تاثیر بگذارد. سناریوی کردستان بخشی از یک پازل بزرگتر برای منطقه است. کردها می توانند اهرمی در دست اسرائیل باشند برای کنترل ایران، عراق، ترکیه و سوریه (Frideman, 2017:3). لذا موضوع بسیار راهبردی و مهمی است که دنبال و کلید زده شده است.

راهبرد ایران در صورت مواجهه با چنین سناریویی و در واقع اقداماتی که باید قبل از وقوع این سناریو دنبال کند، ایجاد همبستگی های درون کشوری بین ملت ایران به صورت یک کل است. این راهبرد را که ما آن را «جامعه بزرگ- حکومت بزرگ» می نامیم به معنای گسترش و به عبارتی سلطه حکومت بر همه بخش های ایران نیست. بلکه منظور این است زمینه حضور قومیت های گوناگون در عرصه قدرت فراهم شود، به گونه ای که

این سیاست منجر به حذف مرزهای قومیتی در ایران (ولو اگر حتی به صورت احساسی هم وجود داشته باشد) شود. در صورت اتخاذ چنین سیاستی این گرایش دومینوار حتی در صورت استقلال کردستان عراق، حداقل آسیب‌های کمتری بر تمامیت ارضی ایران وارد خواهد کرد. البته ایران باید راهبردهای دو سناریوی قبلی را در این سناریو نیز مورد توجه خود قرار دهد.

از جمله پیشران‌هایی که در تقویت این سناریو دخیل می‌باشند می‌توان به مواردی از قبیل حمایت رژیم صهیونیستی، عربستان و میل به ایجاد کشور کردستان در کنار مرزهای ایران (بهره‌گیری از الگوی ایجاد حزب الله لبنان در کنار اسرائیل)، وضعیت نابسامان سیاسی، امنیتی و ضعف دولت عراق در حفظ تمامیت ارضی، عقب‌نشینی آمریکا از عراق، سابقه خودمختاری در سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ م، جمعیت و نیروی نظامی کافی و داشتن نخبه‌هایی در عرصه سیاست داخلی و خارجی احتمال تشکیل کشور کردستان متصور می‌باشد. در واقع اگر در این موضوع نقش گسترده، اثرگذار و فراگیر قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای وجود داشته باشد و کردهای منطقه با یکدیگر همگرا شوند می‌توان این تصور را در آینده داشت که با وجود مؤلفه‌های داخلی و خارجی استقلال کردستان شکل بگیرد که با توجه به قرابت‌های فرهنگی، نژادی و زبانی کردهای ایران با کردهای عراق بدترین و نامطلوب‌ترین سناریو برای ایران خواهد بود.

۴- ایجاد وحدت ملی با تاکید بر منافع جمهوری اسلامی ایران (مطلوب‌ترین سناریو)
تلاش برای ایجاد وحدت ملی مطلوب‌ترین سناریو برای ایران و حتی ترکیه و عراق در ارتباط با کردها در این کشور است. تاکید بر وحدت ملی هم بعد مذهبی و هم بعد ملی‌گرایی دارد. آیات متعددی از قرآن کریم بر این اصل اساسی تاکید می‌کنند. قرآن کریم همه مسلمانان را به وحدت و پرهیز از تفرقه فرا می‌خواند: «و همگی به ریسمان خدا چنگ

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۲۳

زنید و پراکنده نشوید...» (آل عمران ، ۱۰۳). «إن هذه امتکم امه واحده» در بیان اینکه وحدت از صفات امت است؛ «حبل الله» در بیان محور وحدت است و «واذکروا نعمه الله علیکم إذکنتم أعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا وکنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها» در یادآوری آثار و برکات وحدت است؛ «خلقکم من نفس واحده» در بیان وحدت اصل خلقت و آفرینش از نفس واحده است، همه این موارد بر اهمیت حفظ و تداوم وحدت در جامعه تاکید دارد. در ایجاد وحدت باید چهار مرحله طی کرد. نخست بر اساس مذهب و ملی گرایی اصول مشترک را یافته و در مرحله دوم دایره این اصول را گسترده تر کنیم. مرحله سوم تعمیق همکاری ها است. به گونه ای که احساس تبعض از بین رود. مرحله چهارم پرهیز از تمرکز بر موارد اختلاف افکن است (عمید زنجانی، ۱۳۹۰: ۲۳). در ارتباط با ایران باید گفت دو حوزه تمدن ایران باستان و تمدن اسلامی برای ایجاد این وحدت مهم ترین مولفه های مشترک را دارد. کارکرد این مولفه های مشترک راهی برای ادغام سیاسی و اجتماعی نرم است. کردها بیشترین قرابت دینی، فرهنگی و تاریخی را با ایران دارند و در واقع چنانکه گفته شده جزء قدیمی ترین اقوام ایرانی هستند. در حوزه تمدن ایرانی می توان بر اسطوره و رویدادهای تاریخ ایران باستان و شخصیت های مهم تمدن ایران باستان متمرکز شد و این ارزش ها را در جامعه برجسته کرد. قرار گرفتن کردهای منطقه در حوزه نوروز و جشن های ملی-باستانی آنها مهم هستند. دیپلماسی فرهنگی لزوماً بُعد خارجی ندارد، بلکه می تواند برای ایجاد وحدت در درون جمعیت داخلی به کار گرفته شود. توجه به هویت ملی با این عناصر زمینه وحدت ملی را فراهم کرده و از این طریق به امنیت ملی می رسیم.

در این سناریو باید به ابعاد اجتماعی (احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد به اجتماع ملی)، ابعاد تاریخی (دانش تاریخی و تعلق به ارزش های تاریخی)، بعد جغرافیایی (تعلق به سرزمینی واحد)، بعد سیاسی (احساس مشارکت فعال در قدرت سیاسی، علاقه

به ملت و اعتماد به نظام سیاسی)، بعد دینی (دل‌بستگی به شعائر دینی و دوری از اختلافات)، بعد فرهنگی (آیین‌ها و سنت‌های ملی-مذهبی، احترام به رسوم محلی و آن‌ها را متعلق به ملتی واحد دانستن) و بعد زبانی و ادبی (شعر، موسیقی و...) توجه کرد.

بعد دیگر این وحدت ملی ریشه در تمدن اسلامی و مولفه‌های مشترک دینی دارد. در این الگو، همگرایی برجسته است. در واقع ترکیه و عراق با توجه به اینکه در حوزه تمدن اسلامی قرار دارند هم می‌توانند با این الگو زمینه همگرایی در داخل خود و هم بین خود و ایران را فراهم کنند. در الگوی همگرایی در این سناریو، سه کشور موظف به رعایت حقوق قومیت‌ها و حفظ و پرورش ممیزهای قومی هستند. هدف همانند سازی به گونه‌ای که قومیت‌ها در اکثریت حل شوند نیست. الگوی همگرایی اگرچه فرآیندی طولانی مدت است، اما همبستگی، وحدت ملی و رسیدن به منافع ملی را در بلندمدت تحکیم می‌کند.

در ارتباط با کردستان ایران برای ایجاد وحدت ملی باید به این روندها در کنار مولفه‌های بالا توجه ویژه‌ای داشت:

- توجه به زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه اقتصادی در مناطق کردنشین. با توجه به مراودات تجاری ایران با کردستان عراق و ترکیه، ایجاد مناطق آزاد تجاری در مناطق کردنشین می‌تواند رونق اقتصادی را در بر داشته باشد. ظرفیت توریسم، ایجاد بازارچه‌های مرزی و حمایت از کوله‌بران در این گام مثبت در این مسیر است.
- گسترش مشارکت سیاسی فعال در گرفتن مناصب سیاسی هم در سطح محلی و هم در سطح ملی با توجه به اصل شایسته‌سالاری و تخصص و زمینه فعالیت احزاب قومی برای رقابت در عرصه سیاسی در چارچوب قانون اساسی.

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۲۵

• امنیت زدایی از مناطق کردنشین و تلقی آن‌ها به عنوان مناطقی فرهنگی. در این زمینه در سفر رهبری انقلاب به کردستان، ایشان در سخنرانی‌های خود در بین اقشار گوناگون این استان، واژه استان فرهنگی را برجسته کردند و همزمان با این سفر اجازه پخش اذان اهل تسنن از صدا و سیما کردستان داده شد. ایشان کردستان را «سرزمین علم، ادب و هنر»، «صفا، روشندلی و وفاداری» و «دلاوری، شجاعت و مردانگی» دانستند و بر تدوین تاریخچه‌ی شهدا و علمای سرزمین کردستان که در راه وحدت و عزت این سرزمین به فیض شهادت رسیدند، تأکید کردند (بیانات رهبری، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸).

در مجموع سناریوی وحدت ملی که در آن تمدن ایرانی و هم اسلامی لحاظ شده است، با تأکید بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است که همگرایی را در سطح داخلی تقویت می‌کند. از سوی دیگر تأکید بر همین مولفه‌ها در ترکیه و عراق نیز زمینه ساز وحدت ملی و تثبیت امنیت ملی در این کشورها است که در راستای منافع جمهوری اسلامی است. مقامات ایران بارها تأکید کرده‌اند که خواهان امنیت و ثبات در کشورهای منطقه هستند. از این رو این مولفه‌ها زمینه همگرایی منطقه‌ای به ویژه بین سه کشور را فراهم می‌کند و مدل و تجربه موفق در حل یک بحران منطقه‌ای خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده تا با رویکرد امنیتی به تأثیر استقلال کردستان عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران اشاره شود. ایران دارای جمعیت کرد قابل توجهی است. استقلال کردستان عراق بی‌شک بر این جمعیت تأثیر خواهد گذاشت و احتمال ظهور جنبش‌های گریز از مرکز را افزایش می‌دهد. به ویژه اینکه ایران علاوه بر کردها دارای قومیت‌های دیگری است که به نوعی داعیه استقلال طلبی دارند.

روند تاریخی مرتبط با کردستان عراق و به طور کلی کردها نشانگر آن بوده، استقلال طلبی همواره آرمان این قومیت در منطقه بوده است. حمایت خارجی نیز این روند را تقویت کرده است و به نظر می‌رسد با توجه به وضع کنونی منطقه چنین مطالبه ایبه صورت جدی تر از سوی کردها دنبال شود. بنابراین خاورمیانه و به ویژه ایران پس از تهدید شکاف شیعی-سنی با بحران قومیت‌ها مواجه خواهد بود. هر تحولی در منطقه از جمله استقلال احتمالی کردستان عراق همزمان می‌تواند برای ایران هم فرصت ساز و هم دارای تهدیداتی باشد. بخش عمده‌ای از این مسأله متأثر از نحوه مواجهه دولتمردان ایران با آن است.

برگزاری رفتارندوم اخیر و نتایج آن نشان داد که سناریوی استقلال اقلیم کردستان عراق به عنوان سناریوی بلند مدت، بدترین و خطرناک‌ترین چشم‌اندازی است که امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با آن مواجه باشد. بنابراین واکنش‌های شدیدی در برابر این رویداد از سوی کشورهای دارای مناطق کردنشین صورت پذیرفت که جمیع تلاش آنها منجر به تعلیق همه‌پرسی از سوی مسعود بارزانی گردید.

در اینکه استقلال احتمالی کردستان عراق بر تحولات داخلی ترکیه، سوریه و ایران و از جمله مناطق کردنشین این کشورها تاثیر گذار خواهد بود و حتی خواستهای هویت‌گرایانه بیشتر و گریز از مرکزی را تشدید می‌کند شکی نیست، لذا این کشورها از جمله ایران همزمان می‌بایست در سیاست سنتی خود در قبال مناطق کردنشین (و سایر مناطق دارای تمایز قومی - هویتی با مرکز) دست به تغییرات و اصلاحاتی عملی و جدی بزنند. در ایران عملی شدن شعارهای رئیس‌جمهور در حین انتخابات و پررنگ شدن حضور نخبگان و نمایندگان اقوام و مذاهب مختلف در کابینه، پست‌های مهم تا پستهای محلی از جمله استانداریها و فرمانداریها در کنار افزایش و تسریع سیاستهای توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در این مناطق می‌تواند هم به نوعی نقش ضربه‌گیر در قبال تحولی

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۲۷

همچون استقلال احتمالی کردستان عراق را بازی کند و هم می تواند در فرصت ساز شدن این تحول احتمالی فضای بیشتری به ایران داده و منافع بیشتری حاصل کند.

این استقلال برای ایران یک تیغ دو لبه است. هم تهدید است و هم فرصت. تهدید است چرا که ایران دارای جمعیت کرد قابل توجهی است که استقلال کردستان می تواند آن ها را تحریک کند. فرصت است چرا که کردهای منطقه بیشترین قرابت فرهنگی و هویتی را با ایران دارند. کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوز و سرزمین های آریایی است سرزمین هایی که به باور بیشتر ثنورسین های منطقه گرابی جدید، منطقه ای است که ایران خواه ناخواه در مقایسه با دیگر مناطق دارای نقش محوری تری در آن است و تهران مجبور است در راستای تقویت این منطقه جدید (از تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان گرفته تا قفقاز و مناطق کردنشین در عراق، سوریه و ترکیه) گام بردارد چرا که علاوه بر قرابتها و شباهتهای گسترده اش از نظر هویتی، تاریخی و فرهنگی با آن؛ در آینده نیز منافع سیاسی - اقتصادی ایران، بیشتر با این منطقه اجین بوده و دارای قرابت است تا با دو منطقه دیگر.

به عبارت دیگر ایران در این منطقه دارای نقش محوری تر و هژمونی کم معارض تری است تا در دیگر مناطق. همچنین کردستان عراق دارای پیوستگی های غیرقابل انکار تاریخی، فرهنگی و زبانی با ایران است و از نظر سیاسی - امنیتی هم از بدو انقلاب ایران و در حین جنگ تا به امروز روابط گسترده و مستمری با ایران داشته است که این روابط می تواند همچنان ادامه پیدا کرده و تعمیق شود.

در چارچوب سناریوی وحدت گرایانه و تأکید بر منافع ملیبرای اینکه مرزها در حوزه مسائل قومی ایمن شود باید با همسایگان مرادوات بهتری داشت، اقوام را باید در قدرت سیاسی مشارکت داد، بسترهای توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی را فراهم ساخت. این وضعیت وقتی جدی تر می شود که بدانیم مرزهای ایران کمر بند قومیت ها و اهل تسنن است که با قومیت مشابه در آن سوی مرزها در تعامل هستند. در تمام تحرکات

قومی که در خاورمیانه و حتی ایران صورت گرفته است، عامل اصلی اعتراضات قومی، نارضایتی از نظام سیاسی بوده است. به بیان دیگر بخش زیادی از برجسته شدن مولفه های هویت قومی در تقابلی است که با نظام سیاسی وجود دارد. از این رو جمهوری اسلامی ایران برای کاهش چنین تهدیدی باید به نقش قومیت ها در نظام سیاسی و به ویژه مناصب سیاسی توجه ویژه ای داشته باشد. نگاهی که مبتنی بر اعتماد و نه بی اعتمادی باشد. در واقع پرداختن به این عوامل از سوی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باعث می گردد کردهای ایرانی خود را در قالب یک کلیت واحد بدانند و با عبرت آموزی از جدایی طلبی هایی که در دنیا رخ داده و باعث جنگ های فرسایشی و خانمان سوز شده است نگاهی وحدت گرایانه داشته و به این مهم دست یابند که تشکیل کردستان بزرگ بازی با تمامیت ارضی کشورهای درگیر این موضوع بوده و تحقق آن هزینه های زیاد مادی و معنوی را در بر خواهد داشت.

کردهای منطقه بیشترین قرابت فرهنگی و هویتی را با ایران دارند. کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوروژ و سرزمین های آریایی است سرزمین هایی که به باور بیشتر تئورسین های منطقه گرای جدید، منطقه ای است که ایران خواه ناخواه در مقایسه با دیگر مناطق دارای نقش محوری تری در آن است و تهران مجبور است در راستای تقویت این منطقه جدید (از تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان گرفته تا قفقاز و مناطق کردنشین در عراق، سوریه و ترکیه) گام بر دارد چرا که علاوه بر قرابتها و شباهتهای گسترده اش از نظر هویتی، تاریخی و فرهنگی با آن؛ در آینده نیز منافع سیاسی - اقتصادی ایران، بیشتر با این منطقه اجین بوده و دارای قرابت است تا با دو منطقه دیگر.

به عبارت دیگر ایران در این منطقه دارای نقش محوری تر و هژمونی کم معارض - تری است تا در دیگر مناطق. همچنین کردستان عراق دارای پیوستگی های غیرقابل انکار تاریخی، فرهنگی و زبانی با ایران است و از نظر سیاسی - امنیتی هم از بدو انقلاب ایران و

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۲۹

در حین جنگ تا به امروز روابط گسترده و مستمری با ایران داشته است که این روابط می-تواند همچنان ادامه پیدا کرده و تعمیق شود و کردها را به مضرات این جدایی آگاه نماید. اگر مقوله‌های فوق مدنظر قرار نگیرد و زیرساختهای لازم در کردستان مورد توجه نباشد امکان دارد تنش‌های منطقه ای موجبات تقویت بروز درگیری‌ها و منازعات قومی در داخل ایران نیز فراهم نماید. برای اینکه مرزها در حوزه مسائل قومی ایمن شود باید با همسایگان مرادوات بهتری داشت، اقوام قومی را باید در قدرت سیاسی مشارکت داد، بسترهای توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی را فراهم ساخت. این وضعیت وقتی جدی‌تر می‌شود که بدانیم مرزهای ایران کمر بند قومیت‌ها و اهل تسنن است که با قومیت مشابه در آن سوی مرزها در تعامل هستند.

منابع

قرآن کریم (آل عمران ، ۱۰۳).

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۰)، «کردستان عراق هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۰.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
- حاجی یوسفی، امیر محمد و سلطانی نژاد (۱۳۸۷)، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر مجد.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۰)، سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران، ترجمه دکتر ملک محمدی، تهران: انتشارات سمت.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست ۲، تهران: سازمان سمت.
- ویسی، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی توضیح‌پذیری نظریه ریچارد هارتشورون در جغرافیای سیاسی مسائل قومی ایران»، مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: هم‌دلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی، کردستان: دانشگاه سنندج.

Ajir, Media (2016). "Pathway to an Independent Kurdistan", https://www.researchgate.net/publication/303751385_Pathway_to_an_Independent_Kurdistan.

Frideman, George (2017). "Israel's Strategic Vulnerability", <https://geopoliticalfutures.com/israels-strategic-vulnerability>.

Fisher, Max (2015). "Why DC loves Biden's terrible plan to divide Iraq", <https://www.vox.com/2015/8/5/9097133/iraq-biden>.

Hartshorne, Richard (1950). "The functional approach in political geography", *Annals of the association of American Geographers*, Vol 40, No.2, Pp. 95-130.

Kaldor, Marry (1999). *New and Old Wars*, Stanford University Press.

Karami, Arash (2017). "The reason Tehran is against referendum on Iraqi Kurdistan", Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/en/originals/2017/06/iran-opposition-iraqi-kurdistan-krq-independence-referendum.html>.

Munoz, Carol (2017). "White House: Bid for an independent Kurdish state would be 'significantly destabilizing'", <http://www.washingtontimes.com/news/2017/jul/13/kurdish-referendum-vote-opposed-white-house>.

Packard, Matthew (2013). "Earning Independence in Iraq Kurdistan", <https://litigation-essentials.lexisnexis.com/webcd/app>.

Reily, David (2008). "The Two-Level Game of Failing States: Internal and External Sources of State Failure". <http://journals.hil.unb.ca/index.Php/jcs/article/view/11244/13417>.

Seufert, Gunter (2015). "The return of the Kurdish question", German Institute for International and Security Affairs, <https://www.swp-berlin.org/en/publication/the-return-of-the-kurdish-question>.

Sumer, Izzettin (2012). "The future of rising Kurdish nationalism in the modern middle east: comparative perspectives of turkey, Israel and Iran", <https://www.soas.ac.uk/lmei/events/ssemme/file67892.pdf>.

Salih, Khaled (2006). "The Future of Kurdistan in Iraq", <http://www.upenn.edu/pennpress/book/14152.html>.

